

عنوان: بررسی اندیشه های تفسیری حضرت آیت العظمی جواد آملی (ره) در محور زن و نظام خانواده^۱

نویسنده: لیلا میرزاییان

چکیده

باتوجه به اهمیت مسئله زن در جامعه اسلامی و دیدگاه های متفاوت که چه در جامعه اسلام چه در جامعه غرب نسبت به زن وجود دارد بررسی این مطلب ضروری است که نقش او در جامعه چه تعریف می شود؛ و با چه نگاهی اسلام به زن نگاه می کند. به همین دلیل در این مقاله و بررسی مطالب تفسیری آیت الله جواد آملی مربوط به زن و نظام خانواده پرداخته ام و طی انجام این تحقیق به این نتیجه رسیدم که اسلام برای زن و نقش او در خانواده و ایجاد آرامش برای اعضای خانواده مخصوصا همسر، بسیار ارزش قائل است و اهمیت زن بسیار والی تر از آنچه در تصورات غربی است مطرح می کند.

کلید واژه: اندیشه های تفسیری، محور، زن، نظام، خانواده

مقدمه. بنابراین راز اصیل آفرینش زن چیزی غیر از گرایش غریزی و اطفاء نائره شهوت می باشد که خداوند آن را آرامش زن و مرد بیان کرده و اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده و او را در این امر روانی اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن معرفی کرده است. ضمن آن که حقیقت هر دو را یک گوهر دانسته و هیچ امتیازی از لحاظ مبدا قابلی آفرینش بین آنها قائل نشده است. بر پایه نظام اجتماعی اسلام، مبنای جامعه، خانواده و محور خانواده، زن است. خانواده مرهون تجلی روح مادر است؛ چون اساس خانواده بر پیوند و مودت است و این وظیفه به زن سپرده شده است. با وجود این- که مرد عهده دار امور اجرایی و اداری خانواده است و خانواده نیز، به دلیل زندگی مادی، ناگزیر از امور مالی و اداری است؛ اما این نهاد کوچک اجتماعی بی مودت و محبت، حتی در بهترین وضعیت اجرایی، سامان نمی یابد؛ چراکه فاقد محور اصلی و هسته مرکزی است.

اهمیت

اهمیت موضوع زن و نظام خانواده از این جهت است که زن باید به جایگاه خود در جامعه و خانواده آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند نقش همسری و مادری خود را به نحو احسن ایفا کند.

هدف

^۱ -لیلا میرزاییان- طلبه پایه دوم مقطع سطح (دو) مدرسه امام صادق (ع) بوئین زهرا

هدف این تحقیق بررسی تفکرات و نظرات اسلام راجع به زن و جایگاه او در جامعه و خانواده می باشد.

پیشینه

در تحقیق حاضر به دو مقاله که در آن ها قطرات آیت الله جوادی آملی در مورد مسائل مربوط به زن گنجانده شده بود و همچنین کتاب زن در آئینه ی جلال و جمال ایشان مراجعه کردم.

زن و منزلت او در قرآن

الف) قرآن می فرماید (لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا ۖ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ) مردان را از آنچه به دست آورده اند بهره ای است و زنان را از آنچه به دست آورده اند بهره ای. (وَمِنْ مِثْلِ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ) (بقره/۲۲۸) برای زنان است برابر آنچه برایشان است به نیکی. قرآن، آن گاه که از انسان که در حقیقت آن زن و مردی در کار نیست. سخن می گوید، تنها از ذات انسان سخن می گوید که زن و مرد در آن یکسان هستند.

و آن گاه که از مقام انسان و برتری او بر بسیاری از آفریده ها سخت می گوید و از امانت هایی که به انسان سپرده شده است و از اول خدا که در او دمیده شده است و آن گاه که خداوند خود را در آفرینش این انسان مبارک می شمرد در همه ی این موارد، از حقیقت بلند انسان سخن می گوید که زن و مرد بدون هیچ فرقی در آن کند. (أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلًا غَامِلًا مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى ۖ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ) آل عمران ۱۹۵ همانا من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را ضایع نمی سازم، چه زن، چه مرد بعضی از بعضی دیگرند. هیچ تفاوتی در ویژگی های ذاتی انسانی و در تلاش در رسیدن به مراتب کمال نیست.

اما طبیعتا زن و مرد تفاوت هایی باهم دارند از جمله اینکه داده های آفرینشی و ذاتی مرد با زن تفاوت دارد، چنان که طبیعت زنانه نازک و لطیف او با طبیعت سخت و زمخت مرد تفاوت دارد.

امیرالمومنان حضرت علی (ع) فرمودند (،) (زن گل است، او قهرمان نرمی طبع و لطافت خوی زن، او را در برخورد با رویدادها زود رنج می سازد؛ برخلاف مرد که بردبارتر و پایدارتر است. پس زن در حقوق و بهره ها به انسانی هم سنگ مرد است) (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ) (بقره/۲۲۸). این همسانی در اصل آفرینش است تا برای مرد همسری از جنس خود او باشد و با همیاری یکدیگر زندگی زناشویی را اداره کنند. پس او نیز از حقوق مشترک همسان برخوردار است و این همان همانندی و برابری است.

۱-سوره اسراء، آیه ۷۰

۲-سوره احزاب، آیه ۷۲

۳-سوره سجده، آیه ۹

که عقل آن را می پذیرد و باور دارد. الف: منبع پژوهش های قرآنی ۱۳۸۰ شماره ۲۵ و ۲۶ ویژه نام زن در قرآن . نویسندگان:محمد حاوی معرفت احسن حکیم باشی

ب:زن وبهره او از ارزش های انسانی

در مقاله ای که حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) در آن به همسانی زن و مرد در بهره مندی از ارزش های انسانی سخن به میان آورده ،این گونه می فرمایند که در آموزه های اسلامی ارزش های انسانی که ملاک سنجش انسان هاست برای زن و مرد به طور یکسان ترسیم شده است، چون خاستگاه ارزش ها و فضائل نفس و روح انسان است،نه جسم او،و زن و مرد در نفس روح تفاوت ندارند.

آیاتی که علم و جهل، ایمان و کفر، عزت و ذلت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل ، صدق و کذب ، تقوا و فجور،اطاعت و عصیان، انقیاد و تحرد،غیبت و عدم غیبت ،امانت و خیانت و مانند آن را مسائل ارزشی و ضد ارزشی می داند و هیچ یک از اوصاف نیز نه مذکر است نه مونث، به این معنا که بدن انسان مسلمان یا کافر،عالم یا جاهل، متقی یا فاجر، صادق یا کاذب نیست.

و به عبارت دیگر اگر در مسائل علمی و مسائل عملی که ملاک و معیار ارزش است هیچ سخنی از مذکر و مونث نخواهد بود، در آیات قرآن بر شخصیت انسانی زن تاکید و او را در ردیف مردان قرار می دهد و می فرماید: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) هر کس عمل صالح انجام دهد در حالیکه مومن است خواه مرد یا زن به او حیات پاکیزه می دهیم و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند خواهیم داد.

سوره نحل ایه ۹۷

در این آیه به صورت یک قانون کلی نتیجه اعمال صالح همراه با ایمان در این جهان از سویی حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه ای که از نظر مثبت قرین با آرامش و امنیت ، رفاه ، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی و از جهت متقی از نابسامانی ها و درد و رنج هایش که برای استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی انحصارطلبی به دور است و از سوی دیگر بر طبق بهترین اعمالشان به آن ها پاداش خواهد داد.

در آیه با صراحت این حقیقت را بیان می کند و بیهوده گویانی را که در گذشته یا حال در شخصیت انسانی زن شک و تردید داشتند و یا برای آن ها مقامی پایین تر از مقام انسانی مرد قائل بودند ساکت می کند و منطق اسلامی انسانیت اعلام می کند که برخلاف پندار کوتاه فکران، اسلام دین مردانه نیست، به همان مقدار که به مردان بها می دهد به زنان نیز ارزش می بخشد.

الگو زنان در قرآن

با توجه به تساوی زن و مرد در کسب فضائل و ارزش ها در آیات قرآن، با مطالعه در آیات الهی استفاده می شود که این کتاب الهی تنها به کلیات نپرداخته بلکه برای علنی کردن آموزه ها الگوهای انسانیت را نیز از بین زنان به بشریت معرفی کرده است. قرآن داستان هایی را که نقل می کند و ملاک ارزش ها را در شوون گوناگون آن مشخص می کند، نوع مسائل ارزشی را در ضمن داستان هایی نقل می کند که نقش اول را زن بر عهده دارد. به عبارت دیگر قرآن کریم هنگام سخن از فضائل اخلاقی و انسان و یا نکوهش و تحزع از رذایل اخلاقی، هم از مردان بافضیلت و ستوده یاد می کند و هن از زنان نمونه و اسوه نام می برد. زیرا انسان وارسته چه زن و چه مرد می تواند الگوی دیگر انسان ها قرار گیرد یعنی مرد و زن خوب نمونه انسان هایی خوبند و مرد و زن بد نمونه انسان های بدند.

ابراهیم خلیل و ساره

حضرت ابراهیم (علیه السلام) از پیامبران اولوالعزم است که در سنین پیری فرشتگان به آن حضرت بشارت داشتن فرزندى آگاه و حلیم و بردبار را بر او دادند چنان که همان بشارت داشتن فرزندى آگاه و حلیم و بردبار را بر او دادند چنان که همان بشارت را به همسرش ساره دادند.

قرآن در بیان بشارت به همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز گفتند: (وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ) یعنی هنگامیکه فرشته ها با خلیل حق سخن می گفتند: هم او نیز حضور داشت و ایستاده بود پس خندید و شادمان و خوشحال شد. پس مژده دادیم او را اسحاق و از بین اسحق یعقوب را، یعنی افزون بر فرزند اسحق بشارت به یعقوب هم بر او دادند.

انسان هایی به کمال رسیده اند که فرشتگان بر آن ها نازل و حقایقی را در اختیار آن ها قرار می دهند از این رو از آیات فوق استفاده می شود که همسر ابراهیم همانند خود آن حضرت به کمالی نایل آمده است که قابلیت دریافت بشارت فرشتگان را دارد.

آموزگار عفاف در بین مرد و زن

قرآن کریم در مقام معرض انسان عقیف هم از مرد عقیف سخن می گوید و هم از زن عقیف یعنی هم مرد عقیف در صحنه تجلی کرده است و هم زن عقیف ظهور نموده است.

قرآن کریم حضرت یوسف را مظهر عفت در مردان و مریم را مظهر عفت در زنان معرفی نموده که هم یوسف مبتلا شد و بر اثر عفاف نجات پیدا کرد و هم مریم امتحان شد و در پی عفاف نجات یافت.

سوره هود، آیه ۷۱

درباره آزمون حضرت یوسف هم می فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّأٰی بُرْهَانَ رَبِّهٖ» آن زن مصری همت گماشت و همتش در حد تعقیب یوسف به فعلیت رسید ولی یوسف صدیق نه تنها مرتکب مردم نشد و نیز مقدمات حرام را فراهم نساخت بلکه قصد و جهت و خیال گناه نکرد و افترازنندگان زیرا او را برهان رب دید به یوسف نیز که یوسف را متهم کردند در نهایت اعتراف کردند که «قَالَتْ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِیًّا» اکنون حق پدیدار گشت من از او کام خواستم و خدا نیز نزاهت و طهارت یوسف شهادت داده و فرمود: نه تنها یوسف به طرف بدی نرفت، بلکه بدی نیز به طرف یوسف نرفت، «كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَالْفَحْشَآءَ» این گونه بدی و پلیدی را از او برگردانیدیم قرآن می گوید: به گناه اجازه ندادیم به سراغ یوسف برود.

بنابراین حضرت یوسف الگوی عفاف و پاکدامنی برای انسان هاست. حضرت مریم نیز از لحاظ عفاف یا همسطح یوسف صدیق است یا بالاتر از او. زیرا قرآن می فرماید «قَالَتْ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِیًّا» یعنی نه تنها خودش میل ندارد بلکه آن فرشته را که به صورت بشر متمثل شده امر به معروف می کند و می گوید: اگر تو تقوا داری دست به این کارترن در حالکیه حضرت یوسف بر همان رب دید و از اعمال همت بازداشته شد.

ب) جایگاه وجودی و حقوقی بانوان در اسلام

مسئله جایگاه وجودی و حقوقی بانوان از مسائلی بوده که اولاً غالب جوامع انسانی سابقه خوبی در این زمینه از خود به یادگار نگذاشته اند و ثانیاً به تناسب پیشرفت جوامع و ارتقای تفکر انسانی، این مسئله به تدریج مطرح و پررنگ تر شده است. در این عمده ی جوامع انسانی طبق تاریخ ثبت شده ی بشر، مردسالارانه بوده و حقوق بانوان در آن ها تفسیر می شده است، شکی نیست و این امر بر کسانی که با تاریخ ملل مختلف آشنایی داشته باشند، پوشیده نیست؛ چنانکه علامه طباطبایی به طور چکیده وضع زندگی بانوان را در میان کلدانیان، آشوریان، رومیان، یونانیان و همچنین جامعه عرب پیش از اسلام بررسی کرده و نشان داده اند که وجه مشترک همه ی این جوامع، عدم استقلال بانوان و تضع حقوق اولیه اجتماعی آنان بوده است.

آیت الله جوادی آملی در نگاهی بسیار دقیق و جامعه ، بی جایگاه وجودی و حقوقی بانوان پرداختند که در کتابی با عنوان زن درآینه جلال و جمال منتشر شده است. ایشان در نسبت جایگاه وجودی به آثارشان رجوع شود، از جمله: انتقاد قوانین اساسی و مدنی و کیفی ایران از نظر حقوق زن نشر سازمان داوطلبان حمایت خانواده، چاپ دوم ۱۳۴۲ .

مرد و زن چهار احتمال را مطرح می کنند که بر این قرار است:

۱- خلقت زن و مرد از دو گوهر مستقل و دو مبدا قابل جداگانه است.

۲- خلقت زن و مرد، هر دو از یک گوهر بوده و هیچ امتیازی میان آن ها از جهت گوهر وجودی نیست.

۳- مرد با لصاله از گوهری خاص خلق شده و زن از زواید وجود مرد، متفرع و برآن خلق شده است.

پس در مقام داور، حالت دوم را صحیح دانسته و می فرمایند: «احتمال اول، جایگاهی در تفسیر و شواهد قرآنی و مانند آن ندارد و احتمال چهارم نیز فاقد هرگونه شواهد قرآنی و روایت است، ولی احتمال دوم از ظواهر آیات ناظر بر اصل آفرینش استنباط می شود و برخی از احادیث نیز آن را تأیید می نماید. احتمال سوم نیز نه تنها از ظواهر آیات راجع به خلقت اسضحار نمی شود، بلکه بعضی از احادیث نیز آن را نادرست می داند» و پس از طرح مباحث و نکات دقیق علمی، در مورد جایگاه وجودی بانوان در اسلام این گونه نتیجه گیری می نمایند: «زن و مرد از یک گوهر اند و هر زن و مردان مبدا قابل واحد دارند و مبدا فاعلی همه ی آن ها نیز خدای یگانه و یکتاست.

هیچ مزیتی مرد به زن در اصل آفرینش ندارد و روایاتی که عهده دار اثبات ایت مزیت اند، یا از لحاظ سند نارسایند یا دلالت آن ها ناتمام است و اگر فرض از هر دو جهت تام باشند، با یک دلیل ظنی غیر قطعی ثابت کرده، مگر در حد مظنه و گمان که در مسائل علمی سودمند نیست».

* زن آینه ی جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، نشر اسراء ص ۴۰ و ۴۱

* زن آینه ی جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، نشر اسراء ص ۴۴

در جایی دیگر، ایشان ابعاد وجودی، بانوان را به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱- احکام و اوصانی که به اصل زن بودن او برمی گردد که هیچ گونه تغییری طی قرون و اعصار در آن ها رخ نمی دهد.

۲- * به کیفیت، تربیت و نحوه ی محیط پرورش زن مربوط می شود، که اگر در پرتو تعلیم صحیح و تربیت و زین پرورش یابند و چون مردان بیاندیشند و تدبیر داشته باشند، تمایز این جهت با مردها ندارند و اگر گاهی تفاوت یافت شود همانند تمایزی است که در خود مردها نیز مشهود است و ذیل این دسته بندی در قوی تر بودن قوه ی عقل در مردها تردیدی مطرح می کنند و می گویند چنین تفاوتی شاید ثابت شود، گرچه اثبات این مطالب، کار آسان نیست. و البته به مطرح این پرسش می

پردازند که عقل شئون مختلفی دارد و باید دید منظور کلام شان عقل است، که اگر به فرض، چنین چیزی ثابت شود قطعاً عقل عملی و عقل «و یعبد به الرحمن و کاتب به الجنان» نخواهد بود.

اما ایشان در بخش بررسی های حقوقی نکته ای بدیع را طبق تردید فوق درباره ی تفاوت قوه ی عقل میان زن و مرد مطرح می کنند و آن اینکه چون عاطفی بودن و ضعف عقلانی در بعضی جنبه ها در خانم ها، از دسته ی دوم ابعاد وجودی ایشان است که در فوق ذکر شد و نه دسته اول؛ سپس با کسب علم و ممارست های لازم، قابل تکمیل و قوت است و لذا این امر به عنوان مانعی برای تصدی اموری مانند قضاوت مرجعیت برطرف می شود. عین عبارت ایشان در این باب چنین است: «جنبه ی عاطفی بودن زن و مرجعیت

*زن در آیینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، *اسراء، ص ۲۲۸

ذاتاً مانع تعدیل قوای عقلی و فکری او نیست و تمام بحث در صورتی است که زن چون مرد از اعتدال عقل نظری برخوردار باشد و جنبه ی فردورزی و فرزاندگی معتبر در قضا و مرجعیت، مقهور عاطفه و احساس نگردد، زیرا آگاهی فردورزی برخی از مردان (نیز)، مقهور بعضی از شئون نفسانی آنان می شود و جنبه فرزاندگی آن ها تحت پوشش دیگر جنبه های نفسانی قرار می گیرد؛ که در این حال، چنین مردان نیز واجد شرایط قضا یا مرجعیت نیستند. مملکات لزوم ارتیاض و تحرین زنان برای تعدیل عواطف، بیشتر از مردان می باشد، لیکن اگر در پرتو، شرایط مساوی پدید آید، دلیلی بر محرومیت زنان از سخن یادشده وجود ندارد.

خیر فراوان در معاشرت نیک و معروف با زنان

از نکات مهم دیگر در بیان ایشان، حضور اجتماعی بانوان است که ایشان ضمن یکی از آیات قرآن کریم، تبیین زیبا و دقیقی از این مسئله را ارائه می کنند:

قرآن درباره ی عظمت حقوقی و اجتماعی زن می فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً»^{۱۹} با زن ها معاشرت نیک معروف باشید و زن را چون مرد در مجامع خود راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آن ها در مجامع شما شرکت کنند، این کار ناخوشایند را تحمل کنید: زیرا مملکات خیر فراوانی در این کار باشد و شما ندانید. معاشرت در [عبارت آیه؛] «وَ عَاشِر و من بالمعروف» اگر چه در زمینه ی امور خانوادگی است، اما اختصاصی به آن ندارد.

*زن آیینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی نشر اسراء، ص ۳۰۴ و ۳۰۵

به آن ندارد؛ زیرا ملاک آن در مسایل اجتماعی نیز وجود دارد.

گاهی بر اثر تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ نادرست یا تعصب خام ومانندآن، مردها خوش نمی دادند که زن مانند آن ها در جامعه و صحنه های سیاست، درمان وپزشکی، فرهنگ، تدریس و ... حضور داشته باشند،لیکن باید این امر را تحمل کنند؛شاید خیر و فراوانی در این کار باشد که نمی دانند».

بنیان مهر و عطوفت خانواده

تا اینجا روشن شد که آفرینش زن و مرد از یک گوهر است و همه ی زنان و مردان مبدا قابلی واحدا دارند و از ارزش و همسان یکسانی برخوردار هستند و اکنون به نقش زن در نظام خانواده و ایجاد مهر وعطوفت به واسطه وجود او در خانواده می پردازیم. راستی آیا راز آفرینش زن و مرد، سر گرایش این دو به هم، انگیزه تاسیس خانواده و تربیت آنان کامل، گرایش جنسی است که هدفی جز اتفاء ناشزه شموت ندارد و در حیوانات وحشی نیز بیش از آنان یافت می شود و جاهلیت چونان جاهلیت کمبود آن دامن می زند؟ آیا رازانعطاف زن و مرد، هدف تشکیل حوزه رحامت و پرورش مسجود فرشتگان و جلوه ی خلیفه الهی جامع جلال و جمال وهذالمای خداوندی، گرایش عقلی و مهر قلبی و انس اسمائی است تا بتواند ملائکه تربیت نمایدو فرشتگان فراوانی را به خدمت گیرد و راز بسیاری از اسرار آفرینش را بگشاید؟چون گرایش جنسی درحیوان های نروماده نیز یافت می شود و درباره ی آفرینش میوه دو ماده، انگیزه ی ویژه های جز همان راز عمومی خلقت و کیفیت خلق زوجین از هر جنس گیاهی و حیوانی ،مطرح نیست.

*زن آیین جلال و جمال،عبدالله جوادی آملی نشراسراء،ص ۲۸۵و ۲۸۶

راز اصیل آفرینش زن و آرامش زن ومرد است؛ نه گرایش غریزی و اطفاء نائره شموت و خداوند اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده و او را در این امر روانی،اصل دانسته و مرد را مجذوب علم زن معرفی کرده است.ضمن آنکه حقیقت هردو را یک گوهردانسته و هیچ امتیازی از لحاظ مبدا قابل آفرینش، میان آلود و قایل نشده است:«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»

*درآیه ی مزبور ،تانیث سماعی و مجازی دارد؛نه حقیقتی و تانیث علمه ی(واحد)

لحاظ است و معنا واحد،حقیقت واحد اصل اس.

نیز عقلو راز زن در این آیه زن است که همسر مرد است و بهترین تعبیر از زن واژه زوج است؛نه زوجه که جمع آن زوجات است؛نه ازدواج. تعبیر ثنوع بر کلمه ی زوجه، فصیح نیست؛بلکه راغب در مفردان آن را لغت ردیعه دانسته و به همین جهت در هیچ قسمت ازقرآن از زن به زوجه و از زنان دنیا یا آخرت به زوجات یاد نشده،بلکه فقط به زوج وازدواج یادشده است.

*سوره اعراف،آیه ۱۸۹

*سوره اعراف، آیه ۱۷۲»

چون از زن به زوج تعبیر شده است، قهراً مرد در این جا با شوهر تطبیق می شود و ضمیر مذکر در (لسکین) به مرد (شوهر) بر می گردد؛ یعنی مرد منهای آفرینش زن، آرامش ندارد و نیازمندانیس است.

مرجع ضمیر مونث (الیها) زوج یعنی زن است؛ نه نفس واحده و مفاد آن چنین می شود: گرایش انسی مرد به زن است بدون آم مانوس ذلیلت نیست و با وی انس می گیرد و آرام می شود.

همچنین خدای سبحان می فرماید «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه های او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردی که می اندیشند، نشانه هایی است. مطالبی که از این آیه کریم استنباط می شود، افزون بر آنچه از آیه ی سوره ی اعراف استظهار شد، بدین شرح است:

۱- تمام زن ها از لحاظ گوهر هستی و اصل مبدا قابلی، همگی مردان اند و خلقت هیچ زن جدای از خلق مرد نیست.

۲- هر زن از لحاظ حقیقت از سخن گوهر مردان اند؛ نظیر آنچه درباره ی رسول اکرم (ص) تعبیر شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» خداوند منت نهاد بر مومنان، آنگاه که میان آن ها پیامبر از خودشان برانگیخت. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید.

سوره روم، آیه ۲۱

سوره آل عمران، آیه ۱۶۴

سوره توبه، آیه ۱۲۸

با دیگران تعاون فراوانی دارند، ولی این تفاوت ها سبب نمی شود که وجود مبارک رسول گرامی (ص) نوعی جدا از نوع متعارف انسان باشد.

۳- منشاء گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد کنار انس به زن، مودت و رحمتی است که خداوند بین آن ها قرار داده است و این مودت الهی و رحمت خدایی، گرایش غریزی نر و ماده نیست که در حیوان ها هم موجود است؛ زیرا قرآن کریم گرایش شهوی حیوان ها را آیه الهی ننمیده و به آن اصراری نورزیده است.

زن و مدیریت خانواده

مطلب مهمی که بیش از هر گونه حقوق و مزایای اجتماعی حرمت دارد، آن است که زن در عین فراگیری علوم و فنون سودمند اسلامی، پرورش نسل آینده و انسان های واقعی و امت اسلامی را بر عهده دارد. به دیگر سخن، جامعه ی آینده بر زنان کنونی حق انسانی و ال دارند؛ مبدا ارزش های مادی و عادی، مقام والی و منیعی مادر به دست نسیان بسپارد و آن را از سمت های

دیگر وانمود کند و خانه داری و مدیریت داخلی خانواده که و اصیل جامعه اسلامی است، کمرنگ گردد. اعضای خانواده مجازند که مقام شامخ مادر تنزل دهند و نه افراد جامعه ماذون اند منزلت رفیع مدیریت داخلی خانه را سبک تلقی کنند و نه نظام حکومتی و سیستم اداره ی جامعه حق دارد از همان لازم آن غفلت یا تغافل کند و نه خود زنان اجازه دارند به شناخت این جایگاه رفیعی جاهل بوده یا ت جاهل نمایند. نمونه ی منزلت مادر و علوم مرتبت زن در شکل انقلاب اسلامی و دفاع هشت ساله و دوران سازندگی پس از آن، همچنان مبرهان و مشهود است.

* زن آئینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی نشر اسراء، ص ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸

* زن آئینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی نشر اسراء، ص ۳۲۳، ۳۲۴

نتیجه گیری

زن و مسائل پیرامون او چیزی نیست که پیشینه ی خوبی قبل از ظهور اسلام در بین افراد و جامعه داشته باشد، همان گونه که در عصر جاهلیت دختران را زنده به گور می کردند؛ اما با روی کار آمدن اسلام و دیدگاه های خدایی و الهی نسبت به زن، جایگاه او در میام مسلمانان و البته کل جهانیان تغییر پیدا کرد.

اما در این تحقیق بداین نتیجه رسیدم که زن نه تنها ناقص العقل نیست، که نه تنها از ارزش های یگسانی با مردان برخوردار است، بلکه زن ها هم مانند مردان می توانند به درجات بالای معنویت برسند و از بندگان خاصه خداوند شوند، همانطور که در قرآن از زنان الگو نام برده شده و از صفات و اخلاق و رفتار و کردار آن ها برای بشریت مثال آورده شده.

منابع و مآخذ

آیت الله جوادی آملی (ره)، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳

مقاله، زن از منظر آیت الله جوادی آملی (حفظه الله)، نویسنده آیت الله جوادی آملی: منبع ماهنامه پاسدار اسلام شماره ۳۰۸

مقاله، جایگاه بانوان در اسلام از نگاه شهید مطهری و آیت الله جوادی آملی.

<https://lazingharar.blogspot.com>